



نفت و دولت‌های نفتی

نقد سیاست‌های اقتصادی متکی بر نفت و دولت‌های رانتی
فخرالسادات میرفتاحی

انبساط ارزی و یک‌باره اقتصاد کشور نیز امری نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت و درباره توالی خطرناک آن بر کل ساختارهای کشور هشدار نداد. ماهنامه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تولیدگرایان ایران در سومین شماره خود که در شهریور ماه ۱۳۸۵ منتشر شد به بررسی روند یک‌سال اخیر اقتصاد ایران و سیاست‌های جدید اقتصادی دولت نهم پرداخته و پدیده رانت اقتصادی و دولت رانتیر را در گفت‌وگو با

صاحب‌نظران اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار داده است که خلاصه‌ای از آن در پی می‌آید. باشد که صاحب‌نظران با برخورد فعال و نقد و بررسی خود به باروری این بحث کمک کرده و بویژه پیشنهادهای سازنده در راهی از وابستگی به نفت و مکانیزم آن ارائه دهند.

رابطه متقابل نظام اقتصادی و دولت رانتیر سعید لیلان کارشناس اقتصادی در مطلبی با عنوان "دولت انتخابی و ثروت ملی" به بررسی رانت و دولت رانتیر، از منظر جایگاه دولت‌ها پرداخته و معتقد است "دولت، اگر منتصب به اکثریت ملت باشد، هرچقدر که منابع و انحصارات خود را بد یا ناکارآمد مصرف



کند گرچه اتلاف منابع کرده است، اما مرتکب رانت‌خواری نمی‌شود. این‌گونه دولت که هم منتخب است و هم طبعاً مسئولیت‌پذیر، حتی اگر زمینه بهره‌مندی از برخی امکانات ویژه برای برخی طبقات و گروه‌های اجتماعی و صنفی نیز فراهم آورد، ترویج‌کننده رانت‌خواری به حساب نمی‌آید."

وی در ادامه می‌نویسد: "اگر در شرق رانت‌خواری، چه به لحاظ تاریخی و چه از نظر شدن و مقدار رایج‌تر و بیشتر است، به دلیل فقدان یک نظام سیاسی دموکراتیک، آزاد، پاسخگو و در معرض جریان آزاد اطلاعات است. آنچه ما از آن به رانت‌خواری به عنوان سرچشمه اغلب ناهنجاری‌های اجتماعی - اقتصادی از جمله فقر، شکاف درآمدی پایین بودن نرخ رشد اقتصادی و...

اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی در کشور با تکیه بر دلارهای نفتی و استفاده نامحدود از این درآمد سرشار در شرایطی که اقتصاد، قابلیت جذب مقدار معینی از این دلارها را داراست در کنار استفاده نامحدود از ذخایر ارزی و تصمیمات غیرکارشناسی در بدنه اقتصاد کشور عموم کارشناسان و اقتصاددانان کشور را بر آن داشته است تا نسبت به بروز بیماری‌های اقتصادی ناشی از اجرای این سیاست‌ها هشدار دهند.

روند با ثبات و صعودی مصرف در جامعه در کنار روند نزولی سرمایه‌گذاری و ثبات در بخش خصوصی و اعمال فشار بر آن، حجیم شدن دولت، تداوم تورم قیمت‌ها، عدم تخمین مکانیزم‌های درونی نظام اقتصادی در حرکت روبه‌رشد اقتصاد و سوق دادن آن به سمت رکود و توقف، بیکاری فزاینده کارگران و عدم ظرفیت‌سازی و تولید، هشدار کارشناسان درباره احتمال خطر ورشکستگی صنایع تولیدی کشور و ابتلای اقتصاد کشور به بیماری هلندی، شیوع دولت رانتیر، گسترش فساد و در نهایت تورم و اضمحلال اقتصادی را در پی دارد. محافل رسمی و غیررسمی کارشناسی و

بیشتر اقتصاددانان کشور معتقدند اگر این روند ادامه یابد می‌تواند علاوه بر اقتصاد، بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در مجموع روند حرکت کشور به سمت توسعه را متوقف سازد، آنان هشدار داده و می‌دهند اگر به مبانی مدیریت علمی کشورداری بی‌توجهی شود این مسیر می‌تواند یکی از تهدیدکننده‌ترین دوران اقتصادی و سیاسی ایران طی یک قرن اخیر را به وجود آورد.

کارشناسان بی‌طرف اقتصادی در کنار بخش خصوصی نیز معتقدند چنین تغییراتی نشانه‌های آشکار هشداردهنده‌ای از ظهور و گسترش بیش از پیش دولت رانتیر در ایران و در پیش گرفتن راهی است که به بیماری هلندی خواهد انجامید.

تعبیر می‌کنیم، همزاد ناخجسته استبداد سیاسی است. ... به این ترتیب، نظام اقتصادی "رانتیر" یا "رانت‌پرور" روی دیگر سکه نظام استبداد سیاسی است. وی از نمونه عالی این رابطه متقابل در رفتار اقتصادی دولت ایران در دوران حکومت قاجاریه یاد می‌کند.

لیلاز با بررسی نفت در تاریخ یک صدسال اخیر ایران بیان می‌کند: این که هنوز در نظام جمهوری اسلامی سالانه بیش از پنجاه میلیارد دلار، معادل یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور، انواع یارانه و عمدتاً به صورت رانت در بین طبقات اجتماعی و بدون هیچ‌گونه بازده اقتصادی مشخصی توزیع می‌شود، علامت آن است که نظام رانت‌خواری و رانت‌جویی همچنان با قوت تمام در کشور ما ادامه دارد و توجهات متعدد و متنوع برای تحقق عدالت اجتماعی حفظ قدرت خرید اقشار فرودست و... همگی تنها پوششی ایدئولوژیک برای پنهان کردن کارکرد این نظام مبتنی بر درآمدهای نفتی است.

دولت توزیع‌گرا

علی ظفرزاده مدیر مسئول ماهنامه باعنوان "ذخیره‌ارزی یا صندوق رأی" به نقد سیاست‌های اقتصادی یک‌ساله اخیر پرداخته و می‌نویسد: "یک اقتصاد توسعه نیافته و در جامعه‌ای غیرمردم‌سالار معمولاً به ظهور دولت ناکارآمد می‌انجامد. رانت‌جویی و فعالیت‌های منفعت‌طلبانه، غیرخلاق شرکت‌های تجاری دولتی، سرکوب مالی (سیاسی کردن تخصیص اعتبار و اعطای انحصاری و ارزان به حامیان) ایجاد طبقه جدید وابسته از قبل، منابع عمومی، عوام‌فریبی، تعیین سهمیه و تغییر تعرفه به نفع گروه‌های حامی و فشار افزایش خط قرمزها، عدم شفافیت، تک‌صدایی، تک‌محصولی و... از مشخصات اقتصاد توسعه نیافته است. وی به نقل از پال پی استرترین می‌نویسد: "فقر نه مشکل فنی یا اقتصادی، بلکه مشکلی اجتماعی و سیاسی است."

ظفرزاده با تأکید بر اقتصاد توسعه نیافته در ایران معتقد است عمده دولت‌ها در ایران توزیع‌کننده درآمد نفت بوده‌اند، میزان صادرات کالای غیرنفتی و درآمد سرانه منهای نفت،

بیان‌کننده این ادعاست. گرچه دولت اصلاحات برای کاهش وابستگی بودجه به نفت، تلاش‌هایی انجام داد و در راستای توسعه صنعتی، صندوق ذخیره ارزی را تأسیس کرد تا پنجاه درصد حاصل از درآمد مازاد نفت به بخش خصوصی تخصیص یابد و قدم‌های موثری در این راه برداشته شد که با استقرار دولت نهم و برداشت مکرر به صندوق ذخیره و تخصیص

غیربهبینه آن لقب "دولت توزیع‌گرا" را به خود اختصاص داد. این نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در ادامه با اشاره به واردات بی‌رویه اقلام کشاورزی و کالاهای مصرفی می‌نویسد: "دولت‌های متکی به رانت نفتی با پشتوانه درآمدهای سرشار از نفت هر شعاری را می‌دهند و دست به هر کار عوام‌پسندی می‌زنند تا بر اینکه قدرت بمانند، فارغ از این که سیاست‌های نادرست آنها به عقب‌ماندگی، تشدید فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی، فساد اداری و عمومی کشور بینجامد. افزایش تصاعدی فقر و مستمری‌بگیران کمیته امداد و بهزیستی، افتخاری برای کشور نیست، منابع عمومی باید صرف توانمندسازی افراد جامعه شود تا آنان را به کارآفرینان تبدیل و مخترعان، مکتشفان و نخبگان جامعه را افزایش دهد. گویا دولت نهم، صندوق ذخیره را همچون صندوق رأی تلقی و هر کاری که سیاهی لشکر رأی‌دهندگان را به نفع گروهی خاص افزایش دهد، انجام می‌دهد. به گفته میرزا آقاسی این‌گونه مدیریت کردن و هزینه نمودن بیت‌المال اگر آبی برای ملت ندارد، نان برای دولت دارد."

دولت رانتیر ملت رانتیر

فرشاد مومنی اقتصاددان و منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت نهم با اعتقاد بر این که دولت رانتیر، ملت رانتی می‌سازد با همین عنوان به ریشه‌های شکل‌گیری "رانت" می‌پردازد. او به نقل از حسین مهدوی، اقتصاددان می‌نویسد: "دولت رانتی به واسطه اتکاب به درآمدهای بادآورده یک الگوی رفتاری ویژه‌ای پیدا می‌کند که با دو مشخصه قابل توصیف است؛ مشخصه اول، افق دید کوتاه مدت سیاستگذاران و مشخصه دوم سیاستگذاری شتاب‌زده و نسنجیده آنهاست که این دو ویژگی مانع بروز خصلت توسعه‌ای برای تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع از سوی دولت می‌شود. مهدوی دولت رانتی را دولتی معرفی می‌کند که مهم‌ترین منبع تأمین مالی در نظام اقتصادی را در اختیار دارد و مشخصه محوری این منبع هم این است که عرضه آن نسبت به قیمت فاقد کشش می‌باشد.

مومنی با بیان این که از جنبه سیاسی در چنین شرایطی دولت به هیچ رده اجتماعی خاصی وابسته نیست، بلکه به اعتبار این توانایی‌های مالی قابل توجه می‌تواند گروه‌های تحت حمایت خود را خلق کند، می‌نویسد: "از دیدگاه توسعه ملی الگوهای رفتاری دولت رانتی به گسترش و بازتولید انواع ناموزونی‌ها و از هم گسیختگی‌ها و نابرابری‌ها می‌انجامد و انگیزه‌های دانایی، کارایی، بهره‌وری و مسئولیت‌پذیری به شدت مخدوش

مهم‌ترین اقدام جهت حذف رانت اقتصادی، حذف زمینه‌هایی است که به واسطه آنها تخصیص کالاها و امکانات از طریق تصمیمات اداری و فردی (مانند تصمیم اداره، فرد، مسئول ارگان، شورای محل و نظایر آنها) انجام می‌شود

می‌شود. این شرایط را برخی نظریه‌پردازان با عنوان "رانتی شدن ملت" به دنبال رانتی شدن دولت خواندند و اظهار می‌کنند که در چنین شرایطی با روند نزول انگیزه‌های چهارگانه بالا مردم تمایل چندانی به فعالیت‌های تولیدی نشان نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند که فرایند حداکثرسازی درآمد، سود و مطلوبیت خود را از طریق کوشش برای نزدیک‌تر شدن به کانون توزیع رانت یعنی دولت، جست‌وجو کنند. از همین زاویه است که اشتباهی سیری ناپذیری دولت به گسترش مداخلات خود در همه شئون حیات جمعی توضیح داده می‌شود. نظام مالیاتی در چنین شرایطی تبدیل به یک نظام ناکارآمد می‌شود. دولتی که درآمدهای سرشار رانتی دارد، نیازی به درگیر شدن با مردم برای کسب حقوق حقه خود نمی‌بیند، همچنین است نظام حقوق مالکیت که در این کشورها به واسطه ترکیب پیچیده‌ای از تعاملات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیار ناکارآمد و ضعیف خواهد بود.

وی با اشاره به شکل‌گیری اقتصاد سیاسی رانتی در این شرایط می‌نویسد: "معمولاً دولت برای پیشگیری از ورود رقبای جدید سیاسی و اقتصادی بیشترین فشارها را بر کارآفرینان تحمیل می‌کند و نتیجه طبیعی آن، افزایش چشمگیر وابستگی اقتصاد ملی به خارج، نابرابری‌های شدید و سهم نسبتاً بالا و فزاینده بخش غیررسمی در اقتصاد ملی است. به این ترتیب، ترکیب نامیمون جنون واردات، مصرف و تضعیف بخش‌های مولد از سویی توسعه اقتصادی را ناممکن می‌سازد و از سوی دیگر وابستگی همراه با حقارت به دنیای خارج افزایش چشمگیر می‌یابد.

مومنی با اشاره به واردات انگورهای شیلیایی، سبب فرانسوی، پرتقال لبنانی و انواع کالاهای مصرفی چینی و کره‌ای، متذکر می‌شود که در چنین شرایطی باید منتظر تضعیف‌های بسیار شدید بخش‌های مولد باشند، اما در عین حال معتقد است این سرنوشت محتوم اقتصاد ایران نیست و با ابزار خرد و دانش می‌توان به گونه منطقی با آن برخورد کرد و این مسئله از گروه‌های صاحب صلاحیت بویژه در میان روشنفکران دینی و تولیدکنندگان سلب مسئولیت نمی‌کند.

بازدارندگی رانت اقتصادی در فرایند توسعه

محمد طیبیان در پژوهشی درباره زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی تشکیل دولت رانتی در ایران به راه‌حل‌های حذف رانت‌های اقتصادی می‌پردازد و می‌نویسد: "مهم‌ترین اقدام جهت حذف رانت اقتصادی، حذف

زمینه‌هایی است که به واسطه آنها تخصیص کالاها و امکانات از طریق تصمیمات اداری و فردی (مانند تصمیم اداره، فرد، مسئول ارگان، شورای محل و نظایر آنها) انجام می‌شود. بنابراین، آن خط‌مشی که تخصیص منابع جامعه را خارج از حدود اختیارات اشخاص قرار داده و به مکانیزم‌ها واگذار کند، یکی از موثرترین اقدامات جهت حذف رانت است. موثرترین مکانیزم تخصیص نیز تا آنجا که نتایج علم اقتصاد تعیین می‌کند، مکانیزم قیمت، عرضه، تقاضا و بازار رقابتی است. در این مورد، نکته‌های زیر قابل توجه است: تخصیص منابع و مسئله عدالت اجتماعی: یکی از ایرادات به جایی که نسبت به تخصیص منابع از طریق مکانیزم بازار و قیمت مطرح می‌شود، این است که این مکانیزم ممکن است به عدالت اقتصادی (برحسب یک تعریف مورد نظر) منتهی نشود. این استدلال، مهم‌ترین توجیه برای دخالت‌های مستقیم اداری است. در این زمینه، چند نکته اساسی قابل ذکرند، اول این که گرچه مکانیزم قیمت، عرضه و تقاضا خود به خود زمینه عدالت اجتماعی را فراهم نمی‌کند، لیکن به هم زدن و ایجاد اغتشاش در این مکانیزم از طریق کنترل‌های شخصی و تخصیص اداری و فردی امکانات نیز به معنی بهبود در نابرابری اجتماعی و اقتصادی نخواهد بود، بلکه به واقع در بسیاری از این موارد، نتایج حاصله، به همان دلایل ایجاد رانت، حتی به ایجاد نابرابری‌های بیشتر منجر می‌شوند. نکته قابل توجه دوم، نتیجه‌ای است که دیکان به دست می‌دهد. وی استدلال می‌کند که جویندگان رانت اقتصادی به صورت طفیلی در پشت استدلال‌های ایدئولوژیک و طرفداری از عدالت اقتصادی و اجتماعی به دنبال ایجاد و توجیه و تشویق و زمینه‌سازی دخالت‌های اداری و تصمیم‌گیری‌های شخصی در تخصیص و توزیع منابع هستند، اما بعضی از پشتیبانان این گونه خط‌مشی‌ها استفاده‌کنندگان کلان از این گونه شرایط بوده و نقش طفیلی را ایفا می‌کنند. روش عملی و موثر نیل به عدالت اقتصادی، توزیع مجدد درآمد و ثروت از طریق روش‌های انتقال مستقیم درآمد است. این امر، ضرورت ایجاد اختلال در مکانیزم کارآمد عرضه و تقاضا در تخصیص منابع را منتفی ساخته و هدف عدالت اقتصادی را نیز به نحوه موثر و واقعی به هدف، تحقق می‌بخشد.

استدلال دیگری که علیه واگذاری تخصیص منابع به مکانیزم عرضه و تقاضا مطرح می‌شود، زمینه‌هایی است که بازار، وجود ندارد و یا ناقص است. نمونه این گونه موارد، بازار سلف‌خری، بازار سرمایه یا بازارهای انحصاری

کارشناسان اقتصادی و بیشتر اقتصاددانان معتقدند اگر روند کنونی در اقتصاد ادامه یابد می‌تواند علاوه بر اقتصاد، بنیان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز تحت تأثیر قرار دهد و در مجموع روند حرکت کشور به سمت توسعه را متوقف سازد

است. راه حل منطقی برای برطرف کردن این مشکل نیز واگذاری تخصیص منابع به مکانیزم‌های فردی و اداری و تصمیم این اداره و یا آن مسئول نیست، بلکه راه حل عملی و نتیجه بخش، سازماندهی و ایجاد بازارهای رقابتی و یا تکمیل آنها از طریق ایجاد رقابت، تعبیه مکانیزم‌های انتقال اطلاعات، آزادی ورود و خروج دست‌های جدید، به زمینه‌های مختلف فعالیت است. طبیبان همچنین یکی دیگر از راه‌حل‌های مقابله با رانت را شفاف کردن مراحل انتقال و میزان رانت عنوان کرده و می‌نویسد: "در مواردی که امکان عملی حذف رانت وجود ندارد، دست‌کم تعیین این‌که چه مقدار رانت به چه کسانی انتقال می‌یابد بسیار مفید خواهد بود. یعنی اگر مثلاً کسی موافقت اصولی و یا سهمیه ارزی به قیمت واقعی دریافت می‌نماید، حداقل میزان انتقال درآمد و ثروت به وی تعیین شده و در قبض‌ها ذکر شود و مابه‌التفاوت این مبلغ و مبلغی که قرار است استفاده‌کنندگان از آن خدمات پرداخت نمایند، به عنوان سوبسید قید شود. شفاف شدن این پرداخت‌ها و انتقال‌ها، حجم و مقیاس این جریان‌های انتقالی را تعیین کرده و دریافت‌کنندگان و بهره‌مندشوندگان آن را نیز تعیین سهم بهره‌مندشدن محرومان جامعه از آنها و یا حذفشان به نفع تولیدکننده دولتی و یا خصوصی توسط قوای مجریه و مقننه را زمینه‌سازی خواهند کرد.

این اقتصاددان معتقد است در کشور ما بیشتر روشنفکرانی که در مورد مسائل اقتصادی به اظهار نظر پرداخته‌اند، به ندرت از بروز خصومت با آزادی اقتصادی و نظام اقتصادی متکی بر بازار رقابتی خودداری کرده‌اند. این افراد معمولاً مدافع اقتصادی دولتی و کنترل‌های دولتی بوده‌اند که این شرایط نیز خود در مقابل چشمان آنها ثروت‌های جامعه را متناسب با درجه نفوذ افراد در تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد و توزیع امتیازات و یا براساس درجه زیرکی یا آمادگی افراد دریافتن و بهره‌برداری از منابع رانت اقتصادی توزیع می‌کرده است. وجود این نحوه تلقی از مسائل اقتصادی در جامعه شهری و خصوصاً نظام بوروکراسی و روشنفکری کشور، طی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز سبب شد، این ایده که نقش اقتصادی دولت بایستی گسترش یابد بدون چون و چرا مقبولیت وسیع یابد. همچنین، این ایده که عملکرد نظام اقتصادی بهتر است براساس عملکرد بازارهای رقابتی تنظیم شود، عمدتاً توسط همین قشر، مردود به حساب می‌آمد. اعتقاد در مورد نحوه سازماندهی نظام اقتصادی در زمان انقلاب و پس از

پیروزی آن در این جهت بود که کافی است دولتی مصلح و خیرخواه و مردمی مصدر امور باشد و با نیت‌های جدی، صادقانه و عدالت‌خواهانه در امور اقتصادی کشور دخالت نماید و همچنین تصور می‌شد که این، خود برای حل مسائل اقتصاد کشور و خصوصاً بسط عدالت اقتصادی کافی است. درحقیقت، این نکته اساسی که در نفس دخالت‌های اداری دولت در تخصیص منابع، عامل انتقال رانت نیز نهفته است، هرگز مورد توجه قرار نگرفت. طی این سال‌ها، توزیع کالاها و منابع دیگر مانند ارز و زمین از طریق ترتیبات اداری، زمینه‌ساز انتقال حجم رانت را فراهم ساخته؛ گرچه این امر، با نیت توزیع منصفانه ثروت و درآمد در کشور انجام شده است.

نتیجه‌ای که از مرور بر این گونه تجربیات در کشور ما حاصل می‌شود نیز، مانند نتایجی است که توسط افرادی مانند کروگر، بومول و دیگران استنتاج شده است؛ یعنی این‌که وجود رانت اقتصادی از یک سو سبب جذب نیروی انسانی کارآفرین و دیگر منابع اقتصادی به این بخش‌ها شده و بخش‌های مولد را دستخوش رکود می‌کند و از سوی دیگر قسمتی از منابع جامعه، در فعالیت‌ها و سازماندهی‌هایی که هدف آنها چیزی جز کسب رانت نیست، ضایع می‌شوند. هر دوی این عوامل زیان‌بخش بودن و بازدارندگی رانت اقتصادی را در فرایند توسعه اقتصادی کشور توضیح می‌دهند.

بی‌توجهی دولت‌های رانتی به حرکت طبیعی اقتصاد

مرتضی ایمانی راد یکی دیگر از اقتصاددانان موردگفت‌وگوی این نشریه، نرخ ارز، تورم و بهره را سه متغیر کلیدی در اختیار دولت‌های رانتی دانسته و می‌نویسد: دولت‌های رانتی به حرکت طبیعی اقتصاد توجه ندارند و آنها به سرعت می‌خواهند تحولات را شکل دهند و از حرکت تدریجی و طبیعی اقتصادی دوری می‌کنند. نمونه‌های این دولت‌ها، استالین در شوروی، مارشال تیتو در یوگسلاوی و شاه در پیش از انقلاب بخصوص در دهه ۵۰ و برخی کشورهای عربی در دهه ۷۰-۶۰ و دولت‌های پوپولیستی از جمله دولت آرژانتین است. دولت‌های رانتی تمایل بسیار زیاد به حمایت از اقتصاد داخلی دارند و بر همین اساس اقتصاد جهانی را مکان مناسبی برای رشد اقتصادی نمی‌دانند، به همین جهت سیاست‌های حمایت صنعتی را به شدت دنبال می‌کنند و به‌طور کلی از سیاست‌های جایگزینی واردات برای توسعه صنعت استفاده می‌کنند. این مسئله موجب می‌شود یک اقتصاد داخلی با ارتباطات کمتر با اقتصاد جهانی شکل بگیرد و رشد اقتصادی اساساً تابع تقاضای داخلی باشد.

سعید لیلاز: توجیهات متعدد و متنوع برای تحقق عدالت اجتماعی، حفظ قدرت خرید اقشار فرودست و... همگی تنها پوششی ایدئولوژیک برای پنهان کردن کارکرد نظام مبتنی بر درآمدهای نفتی است

سیاست‌هایی در این حوزه‌ها اتخاذ کرد، ولی عملکرد دولت در چند ماه گذشته نشان می‌دهد دولت تمایل زیادی به قدرت‌گیری خودش دارد و به همین جهت از مکانیزم بازار آزاد برای پیاده کردن سیاست‌هایش استفاده نمی‌کند. برای نمونه تلاش در توزیع بودجه‌های عمرانی، تمایل به عدم تمرکز، تمایل به تثبیت نرخ ارز، تمایل به تثبیت قیمت‌ها، تمایل به کاهش نرخ بهره و حمایت از صنعت‌گر داخلی و حرکت به سوی خودکفایی از طریق افزایش تعرفه‌های گمرکی نمونه‌ای از سیاست‌هایی است که جامعه را به سمت ایجاد رانت بیشتر سوق می‌دهد.

دولت رانتی و ایجاد هسته‌های سرمایه‌داری وابسته

ابراهیم‌بای سلامی عضو شورای مرکزی جمعیت تولیدگرایان در بررسی دولت رانتی که ارتباط این‌گونه دولت‌ها با سرمایه‌داری وابسته پرداخته و می‌نویسد: دولت رانتی به خاطر این‌که از پارادوکس میان تولیدات داخلی و خارجی نجات پیدا کند و بتواند خود را طرفدار تولیدات داخلی نشان دهد به حمایت از برخی بنگاه‌های تولیدی وابسته به خود و خارج از کشور می‌پردازد. در واقع دولت رانتی هسته‌های سرمایه‌داری وابسته را در

داخل ایجاد می‌کند. هسته‌های سرمایه‌داری وابسته هم سعی می‌کنند ظرفی مناسب برای جذب رانت‌های ویژه باشند. یعنی در واقع اقتصاد حالت چرخشی پیدا می‌کند. در این حالت چرخشی هر بنگاه تولیدی، نهاد و سازمانی که موفق شود از رانت در اختیار دولت بیشتر استفاده کند روز به روز فربه‌تر می‌شود تا جایی که حتی می‌تواند هیبت یک شبه دولت را به خود بگیرد.

وی در بخشی دیگر از مقاله خود می‌نویسد: اگر از این زاویه به نظام دولتی در ایران نگاه کنیم درمی‌یابیم که دولت ایران مصداق بارز دولت رانتی است. یعنی بیش از ۵۰ درصد درآمد از نفت است. البته عمده کشورهای نفت‌خیز جهان دولت رانتی دارند. در این میان می‌توان کشورهای تک‌محصولی را که عمده صادرات آنها یک نوع ماده خام یا کشاورزی از قبیل پنبه، کتانوچو و... تشکیل می‌دهد، در شمار دولت‌های رانتی قرار داد. شاخص

ایمانی‌راد معتقد است اقتصاد رانتی به دلیل سرعت دادن در سرمایه‌گذاری و کاهش نرخ بهره و استفاده از درآمدهای ارزی کشور و ایجاد یک بودجه انبساطی به‌طور معمول موجب افزایش حجم پول در اقتصاد می‌شوند و چون سرعت افزایش حجم پولی در اقتصاد بیش از سرعت تولیدات است و به نوعی گرایش‌های تورمی در اقتصاد شکل می‌گیرد و چون دولت رانت‌گرا اعتقادی به کنترل حجم پول ندارد یا تورم‌های دورقمی شکل می‌گیرد و یا پتانسیل بالا رفتن نرخ تورم در دوره‌های آینده در اقتصاد به وجود می‌آید.



این اقتصاددان در بخش دیگری از مطلب خود در مقایسه دولت جدید با دولت‌های رانتی می‌نویسد: دولت جدید رانت‌های بیشتری ایجاد خواهد کرد و علت آن استفاده بیشتر از درآمدهای ارزی و ریالی در اقتصاد است که چون انبساط اقتصاد همراه با شکل‌گیری اقتصاد بازار انجام نمی‌شود خود به خود رانت در اقتصاد افزایش می‌یابد. به عبارتی دیگر دولت جدید از نظر سیاست‌هایی که تاکنون اعمال کرده رانت بیشتری در اقتصاد ایجاد می‌کند اما چون در یک اقتصادی عمل می‌کند که ۱۶ سال در تلاش برای شکل‌گیری بازار آزاد بوده و در جهانی فعالیت می‌کند که

پیام اصلی‌اش آزادسازی است میزان و شکل رانت ایجاد شده با دولت‌های دهه ۱۹۷۰ و در سطح جهان کاملاً متفاوت است. گمان می‌رود که دولت احمدی‌نژاد، پارادایم اقتصاد مردم‌گرا و منشأ خصوصی‌سازی و آزادسازی از داخل و خارج در یک پارادوکس تصمیم‌گیری قرار دارد که گاهی اوقات این پارادوکس را در تصمیمات اتخاذشده به روشنی می‌توان دید. به هر حال

این‌که دولت در نهایت به سرعت تکیه بر بازار آزاد یا تکیه به دولت برای رسیدن به توسعه اقتصادی حرکت می‌کند، بستگی به تحول اقتصاد جهانی و برخورد اقتصاد جهانی با اقتصاد ایران و چگونگی برخورد دولت با چالش‌های فراروی جامعه دارد.

در دولت نهم یکی از شعارهای محوری که مطرح کردند از بین بردن رانت‌ها، مبارزه با فساد، برقراری عدالت اقتصادی بود که به نوعی دولت با همین شعار روی کار آمد و

علی ظفرزاده: دولت‌های متکی به رانت نفتی با پشتوانه درآمدهای سرشار از نفت هر شعاری می‌دهند و دست به هر کار عوام‌پسندی می‌زنند تا بر آریکه قدرت بمانند، فارغ از این‌که سیاست‌های نادرست آنها به عقب‌ماندگی، تشدید فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی، فساد اداری و عمومی کشور می‌انجامد

وی همچنین ۱۳۸۵
آبان‌ماه

همان ۴۲ درصدی است که کارشناسان اعلام کرده‌اند. اما آخرین نکته‌ای که باقی می‌ماند راه‌هایی از بلای دولت رانتیر است. در واقع این سوال پیش می‌آید حال که تبعات منفی دولت رانتیر بر همگان معلوم است راه‌هایی از آن چیست؟ در ایران طی دو دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی سعی شد تا در این راستا گام‌هایی برداشته شود. تأسیس حساب ذخیره ارزی راهکار پیش رو بود. واریز درآمد مازاد نفتی به این حساب و نگهداری آن برای روزهای اضطرار و یا به‌کارگیری این مازاد درآمد نفتی برای توسعه بخش خصوصی و صنعتی هدف از تأسیس حساب ذخیره ارزی بود. هدفی که می‌توانست تا حدودی آثار دولت رانتیر را در نظام اقتصادی ایران بکاهد. اما نگاهی به عملکرد دولت خاتمی و بویژه دولت احمدی‌نژاد نشان‌دهنده ناکامی ایران در تأسیس حساب ذخیره ارزی است.

در گام اول دولت خاتمی هر جا با کسر بودجه رو به‌رو می‌شد از مجلس مجوز برداشت از حساب ذخیره ارزی می‌خواست و بدین حالت خلاف اهداف تأسیس حساب ذخیره ارزی حرکت می‌کرد. در دولت نهم هم ماجرا کاملاً متفاوت است. زیرا این دولت اساساً شناخت کاملی از شرایط اقتصاد جهانی و اقتصاد ایران ندارد و ثروت بادآورده نفتی را وسیله‌ای برای حل آسان مشکلات می‌داند. از آنجا که دولت خود را به حساب ذخیره ارزی و رانت باقی مانده از دولت پیشین متکی می‌داند، به جای توجه به تولید به فکر خرج کردن افتاده و وعده‌هایی می‌دهد که از نظر کارشناسان امکان تحقق آن وجود ندارد، برای نمونه تصویب تعداد زیادی مصوبه در یک جلسه دوساعته هیئت دولت چه معنایی می‌دهد؟ آیا این هنر است که با تصویب صد مصوبه، دلارهای نفتی را خرج کنیم. ناگفته پیداست دولتی، هنرمند اقتصادی به‌شمار می‌آید که به جای خرج کردن بی‌رویه، زمینه‌های تولید را برای بخش خصوصی فراهم کند تا بر اثر بالندگی آن، ثروت و سرمایه کشور رشد کند، امری که در دولت نهم مغفول مانده است. در فرایند تولید است که بخش‌های ضعیف جامعه می‌توانند به رفاه نسبی برسند و زمینه‌های افزایش سطح زندگی عموم مردم هم فراهم شود. سیاست‌های اقتصادی دولت نهم بیش از آن که در

قالب تئوری‌های رایج اقتصادی بگنجد شیوه‌های عامه‌پسند به‌شمار می‌آیند، روشی که می‌تواند علاوه بر گسترش ساختار دولت رانتیر در ایران ضربات سنگین را هم بر پیکر نحیف و بیمار تولید، صنعت، کشاورزی و نظام اقتصادی کشور وارد کند. فقط ذکر این نکته ضروری است زیرا به نظر می‌رسد برنامه‌ای که دولت احمدی‌نژاد برای توزیع مستقیم پول و رانت بین

جامعه و گروه‌های هدف مورد نظرش در پیش گرفته یک تجربه تکرار شده، اما ناموفق در دهه ۵۰ هجری شمسی است. در برنامه پنجم هفت ساله عمرانی هم با توجه به درآمدی هنگفت ناشی از اولین شوک نفتی ناگهان دولت تصمیم گرفت با عنوان رفع نیازهای اساسی به توزیع بخش‌هایی از رانت نفتی میان مردم بپردازد. تعطیلی تولید، کشاورزی و سیل مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ، نتیجه مستقیم این سیاست بود. سیاستی که به ایجاد شرایط آنومی یا بحرانی در کشور انجامید. در شرایط آنومی هم احتمال بروز دو نوع رفتار پرخاشگرانه ناشی از عدم کامیابی یا افسردگی و دل‌مردگی وجود دارد. برخی کارشناسان معتقدند اجرای سیاست توزیع پول نفت که در واقع برنامه پیشنهادی سازمان بین‌المللی کار در قالب الگوی نیازهای اساسی در دوره محمدرضا شاه پهلوی بود، زمینه‌های انقلاب ایران را فراهم کرد. امیدواریم که دولت جدید تجربه گذشته را تکرار نکند.

درآمد نفت در تنور مصرف

بهمین آرمان به رابطه شوک‌های نفتی و توسعه اقتصادی پرداخته و می‌گوید: ما شاهد بودیم که در طول سال‌های نخستین شوک نفتی که در سال ۱۹۷۳ به وجود آمد و دومین شوک نفتی که مصادف با انقلاب ایران بود، یعنی ۱۹۷۹ و سومین شوک نفتی که از نیمه‌های سال ۲۰۰۴ آغاز شد و هنوز ادامه دارد کشورهای خاصی توانستند با اعمال سیاست‌های توسعه‌ای، خودشان را از مدار توسعه نیافتگی خارج کنند و به جرگه کشورهای تازه صنعتی شده بپیوندند یا شاخصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خودشان را به استانداردهای کشورهای صنعتی نزدیک کنند.

وی می‌افزاید: ... می‌شود گفت ایران تنها کشوری در میان کشورهای نفت خیز است که تمام ابزارهای لازم برای توسعه صنعتی و اقتصادی را در اختیار دارد و برخلاف دیگر کشورهای نفت خیز از ویژگی یک ابرقدرت برخوردار است، یعنی دارای جمعیت بزرگ، بازار بزرگ، ذخایر معدنی متنوع و فراوان و شرایط آب‌وهوایی بسیار گوناگون است. با وجود این که در یک منطقه نیمه‌بیابانی قرار دارد، اما به خاطر نیروی متخصص ارزان و فراوانی که در اختیار دارد می‌توانست زمینه خروج از مدار توسعه نیافتگی را فراهم کند، ولی از رویای ایران برای صنعتی شدن حدود هشتاد سال می‌گذرد و هنوز ایران نتوانسته به جرگه کشورهای تازه صنعتی شده بپیوندد.

آرمان معتقد است: به هر حال دولت‌هایی که در ایران بر سر کار می‌آیند ناچار به استفاده از درآمدهای نفت هستند، باید دید که از این درآمدها چگونه استفاده می‌کنند. به نظر من جز در دوره سازندگی در هیچ زمانی از

فرشاد مومنی: دولت رانتیر از جنبه

سیاسی به هیچ رده اجتماعی

خاصی وابسته نیست، بلکه به

اعتبار این توانایی‌های مالی

قابل توجه می‌تواند گروه‌های

تحت‌الحمایه خود را خلق کند

درآمدهای نفتی در راستای توسعه اقتصادی استفاده نشد. در طول هشت سال جنگ، درآمدهای نفتی چندان بالا نبود، زیرا قیمت نفت بسیار پایین بود. در دوره سازندگی هم قیمت نفت چندان بالا نبود، اما فعالیت‌های توسعه‌ای بزرگی انجام شد. در دولت بعدی یعنی دولت اول خاتمی درآمدهای نفتی قابل توجه نبودند، اما در دوره دوم همین دولت، درآمدهای نفتی خوبی داشت، با این وجود استفاده چندان مناسب در راستای هدف‌های توسعه‌ای نشد. در این دولت هم، که دولت معیشتی است و بیشتر با شعار، امور خود را اداره می‌کند تا واقعیت‌های اقتصادی. تا به حال کار عمده‌ای در راستای تبدیل دلارهای نفتی به تأسیسات ماندگار و مولد از این دولت ندیدیم و بعضاً به دلیل سیاست‌های نادرست دولت طرح‌های بزرگ توسعه‌ای در صنایع استراتژیکی مثل فولاد، پالایشگاه‌های نفت، صنایع پتروشیمی، صنایع مس، آلومینیوم، سدهای بزرگ برق آبی همه به حالت رکود و تعلیق درآمد که این، فرصت استثنایی به وجود آمده ناشی از افزایش شدید قیمت نفت را از بین برده و به یک فرصت‌سوزی در اقتصاد ایران تبدیل شده است. ما نگران وضع موجود و افزایش شدید نرخ بیکاری و تزریق منابع سنگینی از سوی سیستم بانکی با عنوان طرح‌های زودبازده که همه می‌دانند این طرح‌ها جز فساد مالی و رانت‌خواری و افزایش تورم چیزی

ندارد، هستیم. آرمان با انتقاد از سیاست دولت درباره حساب صندوق ذخیره ارزی اظهار می‌دارد: دولت جدید حتی حساب ذخیره ارزی را که مجلس برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و عمومی و افزایش تولید و کاهش نرخ بیکاری تصویب کرده بود از کار انداخته است. در سال گذشته عملکرد حساب ذخیره ارزی به نیمی از عملکرد آن نسبت به سال گذشته کاهش یافت، چنانچه وضع موجود در دو ماهه نخست سال جاری هم ادامه پیدا کند بدون شک میزان سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن منفی خواهد شد و متعاقباً نرخ ایجاد اشتغال هم منفی می‌شود.

بی‌توجهی دولت به فعالیت‌های مولد به جایی رسیده است که طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری کشور ایران و هزاران هکتار زمین آماده کشت نیشکر به حال خود رها شده است و هزاران میلیارد ریال سرمایه‌گذاری بدون استفاده روی زمین رها شده است و این بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری‌های مولد در طول تاریخ پس از انقلاب ایران، بی‌سابقه است. حتی در زمان جنگ و در دولت میرحسین موسوی نیز این‌گونه بخش‌های مولد و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مورد بی‌مهری قرار نگرفته بودند. محافل داخلی و بین‌المللی انگشت به دهان ناظر عملکرد دولتی هستند که دارای بیشترین درآمد ارزی در طول تاریخ نوین ایران است. اما با وجود درآمدهای هنگفت نفتی، دولت جدید سیاست‌هایی را پیشه کرده که جز عقب‌گرد اقتصادی سرانجامی نخواهد داشت. تکرار سیاست‌های شکست‌خورده زمان بنی‌صدر و دولت بازرگان مبنی بر حمایت از صنایع کوچک که در جهان امروزه در حالی که با جهانی شدن اقتصاد تولیدی جز در مقیاس جهانی صرفه اقتصادی ندارد، باعث شک و تردید در سیاست‌های دولت است. سهم صنایع بزرگ در تولیدات صنعتی ایران تنها دو درصد است. در حالی که این نسبت در جهان بین ۲۵ تا ۳۰ درصد نوسان دارد. بنابراین اصرار بر تولید به روش‌های سنتی و در واحدهای کوچک چه معنایی جز عقب‌گرد اقتصاد ایران و دور کردن آن از تکنولوژی‌های مدرن دارد. چنین کاری جز سوزاندن دلارهای نفتی در تنور مصرف چیز دیگری معنا نمی‌دهد.

نقش مجالس در ایجاد دولت‌های رانتی

حسن سبحانی نماینده دامغان در مجلس شورای اسلامی که خود از صاحب‌نظران اقتصادی است، در مورد بررسی دولت‌های رانتی و نقش مجلس در تشدید دولت‌های رانتی و تمایل قوه‌مقننه به استفاده از دلارهای نفتی می‌گوید: "چه دولت هشتم، چه دولت نهم استفاده از رانت نفت را پس از تصویب مجالس انجام می‌دهند. اگر مجلس تصویب نکند آن اتفاق نمی‌افتد پس در ایجاد دولت رانتی همه مجالس وقت موثر هستند و دخالت دارند."

